

سابقاماتند کرده ایم اختلافاتی که بین طبقات و افراد موجود است، ممکن است بتعلیم و تربیت زیان رساند. در حدود همین افکار، میتوان در نظر گرفت که تغییرات خیلی سریع محیط فکری، حصول توافق و هم آهنگی تدریجی کودکان را که مبتنی بر رشد مطلوبی است، دشوار میکند. روزنامه ها سینما و رادیو بی شك نمیتوانند افکار نورا بآن صورتی که يك دانشمند بلند پایه در نخستین کتب تحصیلی ذکر کرده است، بیان و معرفی نمایند. چه آشفته گی هائی را این وضع نامنظم تمایلات و اعمالی که کاملاً غیر قابل فهم هستند، نباید در تغییرات ذهنی خود برانگیزد؟

بعلاوه محتوی این استعداد ذهنی، از قبیل طرز فکر، خرافات و مذاهب، ممکن است با قواعد تعلیم و تربیت تباین داشته باشد. در آنجا مسئله ای وجود دارد که مطالعه آن بسیار ثمر بخش است. فقط با آوردن مثالی اکتفا میکنیم: يك روزنامه که ستونی را بتعلیم و تربیت پدران و مادران اختصاص میدهد، بدون شك در عین حال با انتشار غیب گوئیها و خرافات نیز مداومت خواهد داد. پس از يك طرف کوشش میکنند فکر خوانندگان را تنظیم نمایند؛ از طرف دیگر مخالف آن عمل میکنند.

از این ملاحظات که بطور اساسی مجزا شده و شخصی هستند منظور دیگری در کار نیست جز اینکه، نمونه ها و يك هدف عمومی در باره آنجا باید منتهی شود به روانشناسی محرك تعلیم و تربیت، بدست آید. در صورتیکه میتوانستیم تا بلو صحیح و کاملی از محیط اجتماعی که کودکان در آن بسر میبرند، رسم کنیم. متوجه میشدیم که در اکثر حالات، زندگی حقیقی با شرایط «کمال مطلوب»، تفاوت دارد. آن شرایط مطلوبی که بهنگام تهیه برنامه و انتظار قبول آنها، در مغز خود میپروورانند. بنابراین لازم است با اصلاح این یا آن مفهوم مبادرت جست، بدین معنی که؛ اصول تعلیم و تربیت را بمنظور آنکه بخوبی بزحالات متعدد، مختلفی منطبق گردد، باید تغییر دهیم؛

یا شرایطی اجتماعی را متناسب تمایلات و توقعات معلمین عوض کنیم، ما در اینجا نخستین کوشش را برای گوشزد کردن اصلاحات ممکن، بکار میبریم؛ لیکن نباید فراموش کرده‌تر نقشه‌ایکه ماطراحی خواهیم کرد جز بربیک وضع اجتماعی معین قابل انطباق نخواهد بود. در خصوص مسائل واضح و مسلم، پیشنهادهای ماجر برای یک کشور غربی و صنعتی مانند سوئد ارزشی نخواهد داشت. پیشنهاد های مذکور را باید بنا بر جهات مختلف و بمنظور انطباق با واقعیات و ارزش‌های مخصوص سایر محیط‌های اجتماعی، تغییر داد.

اصلاحات

لازم‌بتد کر نیست که گاهی ممکن است از احتیاجات کودکان نسبت بتعلیم و تربیت، در قبال سایر نیازمندیهای فوری آنان صرف نظر شود مثلاً، دادن یک غذای خوب بکودک بر میدان بازی ترجیح و تقدم دارد. در اینجا ما اکتفا میکنیم یک جانب اندرشی عمومی که از نظر بسیاری از مؤلفین پنهان مانده است، اینان خود را مواجه با چنین مخاطره‌ای میسازند که گویا نسبت بحقایق اجتماعی لاقید و بی اعتنا هستند و حال آنکه در عمل چنین نتوانند بود.

بدین جهت است که حقوق پدران و مادران را نباید همراه با زندگی سالمندان آنان در یک بر نامه صحیح و حقیقی تعلیم و تربیت کودکان فراموش کرد. زیرا مسلم است که نباید از آنان توقع داشت که فقط بخاطر کودکان خود زندگی کنند. دستورهای تربیتی غالباً با امیال و آرزوهای مخالفت دارند. ما حتی میتوانیم آن امیال را، نیازمندیهای پدران و مادران توجیه کنیم. که آنان تمایل دارند از یک نوع آرامش خاطر و آسایش بهره‌مند شوند، اغذیه‌ای غیر از آنچه بکودکان میدهند، مصرف کنند، افکار سالمندان

خود را بدون توجه بمقتضیات تعلیم و تربیت بیان کنند، و حتی بتوانند هیجانان شخصی خود را آزادانه ابراز نمایند. این شرایط برای سلامت و بهداشت زناشویی ضرورت دارد و نمیتوان از آنها چشم پوشید. مخصوصاً باید این حق زندگی را برای دوران کهولت مادران منظور داشت. بسیاری از آنان چنان وظیفه و نقش خود را از صمیم قلب انجام میدهند که عملاً روح و امیال خود را تا سطح آرزوهای کودکان ۳ تا ۷ سال پائین میآورند. نتیجه آنست که کودکان آنان وقتی بزرگ میشوند از نظر هوش و فکر از مادرانشان پیشی میگیرند. در دوران اصلاحات اجتماعی معاصر، و مخصوصاً در کشورهاییکه بطور منظم برای بالا بردن سطح زندگی مردم میکوشند، جای تأسف است که از مقدمات و وسیع اصلاحات اجتماعی و خانوادگی استفاده بیشتری نمیکنند. در صورتیکه مر بیان در سرتاسر جهان میتوانستند اتفاق نظر حاصل کنند، ممکن بود در وضعی قرار میگرفتند که از حکومتهای خود بخواهند که اصلاحات اجتماعی از طریق انجام تحقیقات اجتماعی و روانشناسی تأمین و اجرا گردد، بنحویکه با احتراز از واژگون ساختن محیط مساعد تعلیم و تربیت، اصلاحات مذکور آنرا بهبود بخشد و حمایت کند. در این باب ملاحظاتی چند در زمینه هائی وجود دارد که در خور اقدام است.

کمک مالی بخانواده.

از نظر اقتصادی وسائل مختلفی برای کمک بخانواده وجود دارد، این مساعدت اغلب، امروزه، بصورت مدد معاش و اعانه خانوادگی انجام میشود. مخارج اضافی که بر بودجه خانواده تحمیل میگردد، از قبیل تعداد زیاد فرزندان، باید مورد توجه قرار گیرد و باید در صدد جبران این عامل یعنی فقر محیطی که کودکان در آن بزرگ میشوند، برآمد.

شهرنشینی و سیاست مسکن

تعییل کشورهای مترقی بر آن نیست که عوائد غیر کافی خانواده را تکمیل کنند و اعانات مسکن بفقراء اعطاء نمایند، بلکه بیشتر متوجه آنست که مساکن وسیع تری برای اقامت چنین خانواده‌ای تهیه کنند. در هر حال نه تنها اجاره مسکن بلکه وضع خود منازل نیز بایستی متناسب با احتیاجات جدید خانواده باشد: محل سکونت باید بنحوی تهیه شود که تعلیم و تربیت را تسهیل کند و شاید هم، مخصوصاً بهر يك از اعضا، خانواده اجازه و امکان دهد از یکدیگر جدا باشند. بنظر میرسد که ضرورت دارد بعماران توصیه شود که بر تعداد اطاقهای كوچك یفزایند و در ساختن تالارهای بزرگ عمومی تأمل کنند، زیرا در این صورت نیازی بیهای روانی خانواده را مورد توجه قرار داده اند.

بهر تقدیر، در صورتیکه میپندارند که میتوانند تمام احتیاجات خانوادگی را در مورد مسکن فردی، هر چند که خوب طرح ریزی شده باشد، تأمین کنند، این خیال باطلی بیش نیست. چون دوران کودکی دیری نمیپاید، باید از اینکه محل سکونت و اثاث را بنحو قطعی و دائمی با احتیاجات این دوران وفق داد، احتراز کرد. بازیها، باغبانی، سرگرمیهای پسندیده، اجتماعات مطالعاتی و غیره، ممکن است موضوع ایجاد ساختمانهای عمومی قرار گیرد و بنا بر این باید در تمام نقشه‌های ساختمانی جدید، ایجاد مراکز فعالیت‌های اجتماعی، پیش‌بینی شود. بهر صورت، پس از آن مناسب خواهد بود يك نوع اسلوب تربیتی بکار برند که اجازه دهد از چنین مرکزی بوجه احسن استفاده شود، بدین معنی که يك تربیت فعالیت اجتماعی، ایجاد و حاصل گردد:

تقسیماتی که در زمینهای بازی معمول میدارند، بدین منظور که چند پارک شهری در نقاطی از آن زمین‌ها احداث کنند، در صورتیکه توأم با واقع بینی نسبت با احتیاجات خانوادگی نباشد، ثمری نخواهد داشت.

اختصاص انحصاری تعدادی منازل بخانواده‌ها و افراد طبقه معینی نیز نتیجه کمتری در بر خواهد داشت. بنابراین متصدیان شهرسازی باید نقشه‌های وسیع کافی با رعایت کلیه شئون و وسائل زندگی اجتماعی تنظیم کنند.

معهدنا مهمترین اصلاح انفرادی عبارتست از اینکه محیط دیگری که احتیاجات کودک را در خارج از خانواده تأمین نماید و یا امکان داده شود که بتدریج با استقلال نائل گردد، در اختیار او قرار دهند. برای کودکانیکه سنین متفاوت دارند، باید کودکانهای مختلف در نظر گرفت. بعدها محیط آموزشگاه نیز با احتیاجات کودک کی که بزرگ میشود باید انطباق داشته باشد. لازم نیست درباره عوامل مذکور بیش از این بحث کنیم؛ کافی است اهمیت آنها را قویاً خاطر نشان سازیم.

اصلاح سازمان کار.

نوع سازمان کار که مولود صنعتی شدن کشورهاست نباید قطعی تلقی شود. اجرای نقشه اصلاحات، در صورتیکه ضمن آن نیازمندیهای انسانی منظور گردد، ممکن است موجب تغییرات قابل توجهی شود، چنان تغییراتی که وضع خانواده را بدون آنکه منافع اقتصادی کسی را بخطر اندازد، بهبود میبخشد. این موضوع واجد اهمیت بسیار است که محیط خانوادگی برای پدران و مادران و فرزندان کار کردن مشترک را امکان پذیر مینماید. بعلاوه کودکان باید محیطی را که پدران و مادرانشان در آن کار میکنند، بشناسند. در صورتیکه از سنین اولیه، گردشهای دسته جمعی آموزشگاهی بمنظور مطالعه طبیعت یا هنر، ترتیب داده شود، بسیار آموزنده خواهد بود. میتوان منافع تمایل و نظریه جدید را دامن بازاد گذاردن کودکان در مدرسه و طی ساعات بیکاری، در هر کار و نسبت بشرکت در زندگی، تا سیزده سالگی، مورد تردید قرار داد.

دلایل متعدد، درستی مداخله را در زندگی کودکان از نظر آنکه

وظائفی را که بر عهده دارند، بخوبی انجام دهند، ثابت میکنند. در این صورت بالنتیجه ساعات درس باید مسلماً تغییر داده شود.

بنظر میرسد که راه حل قابل توصیه در نقشهٔ تعلیم و تربیت بدین قرار است: مطالعات و تحصیلات، در دوران کودکی، هدف اساسی را تشکیل میدهند و بنابراین مناسب ترین اوقات کودک را فرا میگیرند، دوران مناسب دیگر نیز بوسیلهٔ يك کار دسته جمعی خانوادگی اشغال میشود؛ بالاخره لحظات کم فعالیت تر و کم اهمیت تر، دوران یککاری را که طی آن کودک خود را بیش از پیش از خانواده آزاد میکند، بوجود میآورد. کار لازم برای حسن جریان يك خانه که با رعایت شرایط جدید مجهز شده باشد، فعالیت تربیتی مطلوب در همکاری اعضاء خانواده در کاریکه منافع حاصل از آن بمعنای واقعی بهر يك خواهد رسید، امکان پذیر خواهد شد. وضع کنونی که مادر را خدمتگاره قرار میدهد، هیچیک از شرایط و جهات بالا را در بر ندارد؛ بلکه بالعکس مادر احتمالاً يك تأثیر نامطلوب و منفی در وضع روحی، در هیجانات و سنتها و روشهای کار تمام اعضاء خانواده و کودکان بجای میگذارد.

چنانکه چند بار خاطر نشان گردیده، غیبت همزمان پدران و مادران که ناگزیر از کار کردن در خارج از خانه هستند، در تعلیم و تربیت، تأثیر نامطلوبی دارد. راه حلهائی که در این باره پیشنهاد شده، فقط کار کردن مادر را برای مدت کوتاهی پیش بینی و قبول کرده است بنابراین، در صورتیکه بدین امر توجه کنند، ترجیح دارد که قبل از ارضای نیاز مندیهای روانی و تربیتی خانواده، ساعات کار همه تقلیل داده شود، بطوریکه پدر، مادر و کودکان بتوانند قسمتی از اوقات خود را يك کار دسته جمعی در منزل اختصاص دهند. از طرفی دیگر، در صورتیکه جهات اقتصادی را که با افزایش دستمزد بستگی دارد و وسائل شخصی را که برای زنان ادامهٔ شغل

با مزدی را ایجاب میکند، نیز در نظر بگیریم، راه حل مناسب زیر را بدست خواهیم آورد: ساعات کار در روز، برای تمام کسانی که وقت خود را بکار با مزد مصروف میکنند، بشش ساعت تقلیل خواهد یافت؛ در عوض آمار دستمزد، بر اثر استخدام عده زیادی از زنان متأهل، ترقی خواهد کرد.

چگونه میتوان از تجزیه خانواده جلوگیری کرد.

تعمیم معالجات روانی نسبت به همه مردم، که ممکن است بکمک ترقیات روانشناسی، مراکز روانشناسی تربیتی، انتشار و اشاعه قواعد حفظ سلامت فکری، مراکز مشاوره زناشویی و مشاوره خصوصی، تحقق پذیرد، میتواند بطور قابل ملاحظه ای تعداد مجادلات خانوادگی، طلاق، جدائیها و سایر حوادث نامطلوب را که نتایج و آثار تأسف آوری در تعلیم و تربیت کودکان دارد، کاهش دهد. تعلیم و تربیتی که موجب میشود افراد بدان وسیله شخصیت خود را درک کنند، نیز دارای چنین نتایجی تواند بود. بعلاوه، در صورتیکه بکاهش قدرت جابرانه قرار دادها و خشونت احکام مذهبی و قضائی و همچنین نفرت خانوادگی، توفیق حاصل گردد، بی شک بطور مؤثر در بهبود تعادل روحی، و حصول توافق طولانی بین زن و شوهر و بین اعضاء خانواده و کودکان کمک خواهد شد. تعلیم و تربیت پدران و مادران آینده، حالات مخصوصی را از این نوع کوشش تربیتی که احتمالاً بایجاد یک محیط روانی بسیار هم آهنگ برای کودکان فردا منتهی خواهد شد، بوجود میآورد. از تعدید اختیاری تعداد موالید میتوان چنین آثار رضایت بخشی را نیز انتظار داشت، بدین معنی که در آن راه حلی جهت کودکانیکه بدون تمایل پدران و مادران بدینا میآیند، موجود است.

بنفع کانونهای خانوادگی که قبلاً دچار مصیبت شده اند و مرگ لااقل یک عامل اجتناب ناپذیر محسوب میشود میتوان تدابیر اجتماعی مؤثری اتخاذ کرد. این موضوع و واجد اهمیت بسیار است. اندوه و تندخویی که بر اغلب

خانواده‌های ناقص (۱) مسئولی میشود بتوبه خود برای کودکان زیان بخش است. میتوان آنرا از طریق تغییر و توسعه فهم و ادراک اعضا، خانواده و بوسیله کاستن توقعات قواعد اجتماعی، درمان کرد، بنحویکه زنان مطلقه، زنان شوهر مرده، و زنانیکه از روابط غیر قانونی دارای فرزند شده‌اند، خود را موجود عبث و تنهایی نشمرند.

از نظر تسهیل این نوع معامله بمثل و در عین حال بلحاظ تجاره بعضی مشکلات عملی که خانواده‌های ناقص با آن مواجه هستند، شایسته است امکان مجتمع شدن این خانواده‌ها، در اجتماعات خیلی وسیع، مورد مطالعه واقع شود: بدین معنی که دو یا سه خانواده میتوانند مشترکاً زندگی کنند و کودکان ایشان بمنزله برادر و خواهر خواندگان و سالمندان بعنوان والدین اینان تلقی شوند. چون زنان هستند که بدین ترتیب جمع میشوند، لازم است بموازات چنین کانونهای بدون مرد، مخاطرات ناشی از «صفت زناگی» مفرط و تنهایی را در نظر گرفت. با احتمال قوی این وضع مثبت خواهد بود، زیرا مسائل عملی در آن صورت تسهیل و آسان خواهد شد، روابط داخلی خانواده‌های مجتمع شده، تنوع بسیار خواهد یافت، علائق روحی آنان کمتر دارای خصوصیت انحصاری خواهد بود و در عین حال احتمال دارد محیط تجمع آنان فرحنا کتر و توأم با آسودگی خاطر بیشتر گردد. جای شگفتی است که دریافتن یک وسیله قطعی برای خانواده‌های خیلی محدود، منزوی، ناقص و اجتماع کودکان، توجه لازم بکار نرفته است.

البته پاره‌ای از مشکلات و تناقضات و ناتوانیها ناگزیر باقی خواهد ماند، زیرا دوباره ایجاد کردن اجتماعات، بمتابعت نیاز مندیهای نسلهای جوان با آسانی امکان پذیر نیست. اما در صورتیکه فقط موانع و مشکلات تربیتی که از شرایط کنونی اجتماعی ناشی میگردد، تشخیص و تعریف شود

و در معرض بحث و مطالعه انتقادی قرار گیرد، ممکن است نتایج گرانبها و قابل توجهی بدست آید. لاقلاً راه حل این موضوع میتواند احساس ناتوانی را که اینک با فشار میآورد، زایل کند.

مسائلی که باید مورد مطالعه دقیق تری قرار گیرند

بین مشکلاتی که میتوان به مطالعه آن اکتفا کرد بدون آنکه درمان و چاره آن پیشنهاد و توصیه شود، قسمتی وجود دارد که محیط فرهنگی مربوط است؛ محیط فرهنگی تابع هیچ نقشه‌ای قرار نمیگیرد و غالباً بطور کامل در جهت مخالف اصول تعلیم و تربیت واقع میشود. در این زمینه تأثیری را که توسط وسائل مهم خبری، در کودکان بوجود میآید، ذکر میکنیم؛ سینما تا کنون موضوع پاره‌ای تحقیقات بوده است؛ در خصوص تأثیر ادبی و روزنامه‌ها نیز موضوع آن چنانکه باید بررسی و تحقیق نشده است.

تأثیر مستقیم و غیرمستقیم عقیده و تعلیمات مذهبی در تعلیم و تربیت باید مورد مطالعات عمیق قرار گیرد. دستورها و احکام بعضی از مذاهب با اندرزهایی که پدران و مادران در باب تعلیم و تربیت داده میشود، تضاد و تصادم دارد. ممکن است اختلافات مذهبی و عقیدتی این نتیجه را بیندیشد که اختلافات بین کشورها و دسته‌ها را تشدید کند و بدینوسیله اختلاف تعلیم و تربیت نیز، که قبلاً جنبه زیان بخش آن را خاطر نشان ساخته‌ایم، افزایش یابد. تجزیه و تحلیل دقیق این مسائل ممکن است ثمر بخش باشد.

دورتر برویم: لازم است همچنین بقایا و آثار فرهنگی حالات اجتماعی پیشین را مطالعه کرد. پدران و مادران و کودکان از یک طرف تابع تأثیرات منطقی علوم جدید هستند و از طرف دیگر تحت نفوذ خرافات و اوهام متعدد و مختلف قرار دارند. بعضی از محیطها در باره يك علاقه

روحی کوشش میکنند، در صورتیکه پاره‌ای دیگر به حکوم کردن اخلاق و يك انضباط آمرانه مبادرت می‌ورزند. نتایج يك اختلاف احتمالی بین این دو وضع برای تعلیم و تربیت چیست؟

نتیجه

ذکر مطالب بالا بمنظور نشان دادن روابط بین شیوه‌های مختلف تعلیم و تربیت، و بخصوص روابط بین شیوه‌های تعلیم و تربیت و محیط زندگی کودک، که اینها تا کنون بطور کامل مطالعه و تحقیق نشده‌اند، میباشد. مقصود نهائی آنست که مر بیان بمعنای مسؤلیتهای خود توجه کنند و برای آنان معلوم شود که باید شرایط اجتماعی را برای مطالعه انتقادی و تحلیلی از نظر انطباق آنها با نیاز مندیهای انسانی ملحوظ و رعایت کنند، با وجود این مقصود فوری، بطور خلاصه عبارت است از: تنظیم بیلانی از وضع فعلی و مطالعه مثبت آن. بنابراین هنگامیکه مباحثات لازم بعمل آید، دیگر هیچ اقدامی ضرور نخواهد بود. آثار آن آشکار و ظاهر خواهد شد و تحقیقات موجود يك اثر عمده خواهد بود، زیرا حقیقت يك ارزش درمانی دارد. همچنین هر کس باید درك کند که اجتماع فعلاً بآن صورت که اگر ما با رزوه‌های خود پی می‌بردیم و برای تحقق آن کوشش می‌کردیم، درمی‌آید، منظم نیست. اجتماع اکنون در هیچ جا، درجهتی که مر بیان تجویز میکنند، پیش نمی‌رود؛ و در هیچ جا اجتماع قادر نیست احتیاجات و تمایلات کودکان را تأمین کند

ضمیمہ

فہرست اعضاء ہیئت مدیرہ و کار آموزان

ومشاوران فنی

کہ دراستاژ مطالعات عملی تعلیم و تربیت کودکان سنین ۳ تا سیزده شرکت
جستہ اند۔

اعضاء ہیئت مدیرہ

رئیس۔

خانم اسکارد، آذگرودا (Skard, Aase Gruda, Mme) - نروژ -
استادروانشناسی دانشگاه اسلو.

عضو دبیرخانہ یونسکو مأمور سازمان دورہ های کارآموزی .
کیتون، ژان ویلیام (Guiton, Jean William) - فرانسه - اداره فرهنگ
یونسکو .

رئیس دستہ .

باولی، آگاتا (Bowley, Agatha H., Mlle) - انگلستان - روانشناس
وابستہ بمؤسسہ روانشناسی آموزشگاہا .

چن ہوچین (Chen, Ho - Chin) - چین - رئیس انستیتوی مقدماتی کارکنان
کودکستانها و معلم دانشسرای شہرداری دختران جوان شانگہای .

میلان، لویی (Meylan, Louis) - سوئیس - استاد دانشگاه لوزان.

پرسکوت، دانیل آلفرد (Prescott, Daniel Alfred) - اتازونی
رئیس انستیتوی علوم مربوط بکودکان دانشگاه ماریلانہ

معاون امور اداری .

آمبروس، میاوس (Ambros Milos) - چکوسلواکی - عضو وزارت
فرہنگ چکوسلواکی .

معاون فعالیتهای اجتماعی و تفریحی

آمبروسووا، لیبیا (Ambrosova, Liba, Mme) - چکوسلواکی.

کتابدار.

تید لیتات، واکلاو (Tydlitat, Vaclav) - چکوسلواکی

کارآموزان

آساتیانی، رولاند (Assathiany, Roland) - فرانسه - عضو وز

بهداری.

باستاد، اوا فرییس (Baastad, Eva Friis, Mlle) - نروژ کمک آموزگار.

بارتوسکووا، ماری (Bartuskova, Marie, Mlle) - چکوسلواکی -

دیس قسمت کودکانها در وزارت فرهنگ.

بلاشفورده، کاترینا (Blatchford, Catrina, Mlle) - انگلستان - استاد

دشته تربیتی (باغهای کودکان و کودکانها) در مدرسه لاندربندود (Llandrindod).

بوافو، گریس (Boafo, Grace, Mlle) - انگلستان - دانشجوی یونیورسیتی

کلژ (University college).

سیژروا، ویولا (Cigerova, Viola, Mme) - چکوسلواکی - معلم

مدارس متوسطه.

کهن، ساموئل (Cohen, Samuel) - استرالیا - استاد دانشسرا در

دانشگاه سیدنی.

دلچ گریس (Dolmage, Grace, Mlle) - کانادا - بازرسی وابسته با اداره

آموزشگاههای عمومی در وینیپگ (Winipeg) وابسته به کلینیک روانشناسی تربیتی.

دوتا، بهاباناندا (Dutta, Bahabananda) - هند - مأمور حکومت

هندوستان برای مطالعه روانشناسی کودکان.

فورژو، ایون (Forgeot, yvon, Mlle) - فرانسه - معلم دبیرستان

وابسته به مرکز بین المللی مطالعات تربیتی سور.

گابارد، هازل (Gabbard, Hagel, Mlle) - آنازونی - کارشناس

وابسته به قسمت تعلیمات تکمیلی و شبه آموزشگاهی، اداره تعلیمات ابتدایی، دفتر

اتحاد تعلیم و تربیت

کنیدنیگر، استر (Gnaedinger, Esther, Mlle) - سوئیس - دانشجو

هاشم، اباچی - عبدالهادی (سوریه) - معلم

هری نیر لوبرت، سوزان (Herbinière-Lebert, Suzanne, Mme) - فرانسه - بازرس کل کودکان

ایورسن، بره (Iversen, Beret, Mlle) - نروژ - معلم

کتلس پیرل (Kettles, Pearl, Mlle) - انگلستان - مدیر کلاسهای کودکان
در یکی از مدارس ابتدائی ایدنبورگ

لوژان، الیزابت (Logan, Elizabeth, Mme) - انگلستان - عضو اداره
تعلیمات هر فورد شایر

لوژان، ربرت (Logan, Robert) - انگلستان - رئیس تعلیمات و رسترا شایر

لوکاس، الکساندر (Lukacs, Alexander) - مجارستان - دبیر اتعادی
دانشجویان

پانشود، ژورژ (Panchaud, Georges) - سوئیس - رئیس مدرسه عالی
دختران در لوژان

راسموسن، ادگار، ترانک جر (Rasmussen, Edgar, Tranckjaer) -
دانمارک - استاد دانشگاه کپنهاگ

سدلاکوا (Sedlackova, Vera, Mme) - چکوسلواکی - معلم مدارس
متوسطه

سیمونسون، ربکا (Simonson, Rebecca, Mlle) - ایازونی - فابریکس
فدراسیون آمریکائی معلمین

سوسک، ژان (Soucek, Jan) - چکوسلواکی - عضو انستیتوی تحقیقات
تربیتی

اسپیتزل، آنا (Spitzel, Anna, Mme) - اتریش - معلم مدارس متوسطه
اشتوفل نیکلا (Stoffel, Nicolas) - لوکزامبورگ - بازرس تعلیماتی
مدارس ابتدائی

تیل، لوسین (Thill Lucien) - لوکزامبورگ - بازرس تعلیماتی مدارس
ابتدائی

تومه، موریزو (Thomet, Mauriso, Mlle) - فرانسه - بازرس کل
کودکستان

تومپسون، دزیس ورا (Thompson, Doris Vera, Mile) - اتحادیه
آفریقای جنوبی - مدیر مدرسه

ویر، ورا کاتلین (Webber, Vera Kathleen, Mile) - اتحادیه آفریقای
جنوبی - بازرسی کودکانها در اداره فرهنگ اتحادیه آفریقای جنوبی.

زازو، رنه (Zazzo, René) - فرانسه - استاد انستیتوی تربیتی دانشگاه
پاریس

مشاورین فنی

بندیت، روت (Benedict, Ruth, Mme) - اتاژونی - (فوت کرده است)
استاد تژاد شناسی در دارالمعلمین دانشگاه کلمبیا

بروس ترردز (Brosse, Thérèse, Mme) - فرانسه - عضو اداره فرهنگ،
کارشناس کودکانی که بر اثر جنگ ناقص الاعضاء و آواره شده اند، یونسکو.

ایلک، فرانس (Ylg, Frances L., Mile) - اتاژونی - مأمور تحقیقات
در باوه و شد کودکان در دانشگاه پال

ری، آندره (Rey, André) - استاد روانشناسی عالی در دانشگاه ژنو

**L'Influence du Foyer
et de la Communauté
SUR LES ENFANTS DE
MOINS DE TREIZE ANS**

VERS LA COMPRÉHENSION INTERNATIONALE

